

آثار و دستاوردهای فردی و اجتماعی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی

مرتضی راسته^۱ / فائزه تقی‌پور^۲

تاریخ دریافت مقاله: دی ۱۴۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: اسفند ۱۴۰۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین الزامات علنی بودن دادرسی‌ها به عنوان مؤلفه‌ای اساسی در جهت تحقق دادرسی منصفانه، حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادگاه و انتشار جریان دادرسی توسط آن‌ها می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تبیین آثار و دستاوردهای فردی و اجتماعی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی که به عنوان یکی از عناصر اصلی شفافیت فرایندی و تحقق احساس عدالت در جریان دادرسی از سوی افکار عمومی شناخته می‌شود، انجام شده است و با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با تکنیک جمع‌آوری داده‌ها از طریق فیش‌برداری از آثار در دسترس پیرامون حوزه حقوق و رسانه، مورد مطالعه قرار گرفته است. نویسندگان این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستند که اساساً چرا باید جلسات دادرسی به طور علنی و با حضور رسانه‌های خبری برگزار شود و در این بین، چه کسی است که از پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی منفعت می‌برد؟ یافته‌ها شامل شش مقوله: «شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه عدالت کیفری»، «ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی»، «پیشگیری از وقوع جرم، به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم»، «رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی»، «ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین»، «تأثیر بر عملکرد قاضی و جلوگیری از فساد قضایی» بوده است. لذا این طور نتیجه‌گیری شده است که حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی به صورت توأمان، تضمین‌کننده حقوق فردی و تأمین‌کننده منافع جمعی می‌باشد.

واژگان کلیدی: رسانه‌های خبری، پوشش رسانه‌ای، جلسات دادرسی، علنی بودن، آثار و دستاوردها.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک:

morteza.rasteh313@gmail.com

۲- دانشیار، گروه علوم ارتباطات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

رسانه‌های خبری در هر جامعه‌ای به مثابه چشم و گوش جامعه هستند که رفتار دستگاه‌های مختلف دولتی را رصد می‌کنند و مراجع قدرت‌مندی محسوب می‌شوند که مردم می‌توانند به آن‌ها اعتماد کنند. یکی از مهم‌ترین این دستگاه‌ها، دستگاه عدالت کیفری می‌باشد. در این خصوص، اصحاب رسانه را باید ناظران عدالت دانست؛ اشخاصی که اگر گزارشات جریان دادرسی را با دقت و منصفانه تهیه کنند، قضات قادر خواهند بود با سرعت و کیفیت بالاتری به صدور حکم و برقراری عدالت اقدام نمایند. بر این اساس، دستگاه عدالت کیفری و رسانه‌های خبری، دو نهاد مهم و تفکیک‌ناپذیر در توزیع عدالت و ارتقای حاکمیت قانون، حقوق بشر و اصول دموکراتیک هستند. از یک طرف، به دلیل اینکه اتاق‌های دادگاه ظرفیت محدودی برای اسکان عموم مردم دارند (Tuma, 2001: 420) و از طرف دیگر، از آنجا که اکثر مردم به دلیل داشتن مشغله یا دور بودن از محل برگزاری دادرسی، هرگز به طور فیزیکی در یک دادگاه شرکت نمی‌کنند (Lepofsky, 1995: 369) لذا پخش جلسات دادرسی از طریق تلویزیون و یا انتشار جریان آن توسط روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها و سایر رسانه‌های خبری، تنها راه دستیابی خیل عظیمی از مردم به اطلاعات دادرسی و نظارت آن‌ها در زمینه عملکرد سیستم قضایی است. (Marder, 2012: 6)

از این‌رو، دادگاه‌ها باید با این واقعیت سازگار شوند که مفهوم علنی بودن، گسترده شده است و با فناوری‌های رسانه‌ای مدرن، چنین حقی معنای وسیع‌تری برای شهروندان پیدا کرده است. (Bicskei & Others, 2018: 8)

بنابراین نقش جایگزین گزارش رسانه‌ای، امروزه به عنوان عنصر اساسی عدالت علنی محسوب می‌شود و اهمیت و ارزش آن با حق حضور و مشاهده عینی روند دادرسی از سوی مردم برابر است. (Rodrick, 2007: 172)

باینحال، چالش اساسی و مشکل مهمی که در این بین وجود دارد این است که، به رغم اینکه از لحاظ مبانی، حضور رسانه‌های خبری در دادگاه به عنوان ابزاری مهم در جهت تحقق دادرسی منصفانه و حمایت از منافع فردی و اجتماعی، می‌تواند تضمین‌کننده عدالتی شفاف و نمایان باشد (Bassiouni, 1994: 609) اما واقعیت این است که پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی به دلایل مختلف

دارای مخالفینی است که باعث گردیده استقرار و تحقق عینی این موضوع، همچنان یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های موجود در نظام‌های رسانه‌ای و حقوقی باشد. در واقع، مخالفین حضور رسانه‌های خبری در دادگاه معتقدند که پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، به ارزش‌های مهمی مانند حق دفاع متهم، استقلال و بی‌طرفی قضایی، کرامت انسانی، حرمت و آبروی اشخاص و همچنین حریم خصوصی طرفین دعوی لطمه می‌زند. (Georgiou, 2017: 9)

بر این اساس، اهمیت بررسی آثار و دستاوردهای حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی که موضوع پژوهش حاضر می‌باشد، در این است که با شناسایی و ارزیابی آن‌ها، افزون بر رفع دغدغه‌های ذهنی دستگاه قضایی و دست‌اندرکاران حوزه رسانه که بلاشک در عملکرد آن‌ها نیز تأثیر خواهد گذاشت، حقانیت و مشروعیت این موضوع نیز بیش از پیش نمایان می‌شود.

حق حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادگاه و جواز انتشار جریان دادرسی توسط آن‌ها، در نظام حقوقی ایران پذیرفته شده است.^۱ همچنین این حق در نظام بین‌المللی حقوق بشر در درجه‌ای از اهمیت قرار دارد که به‌رغم اینکه علنی بودن دادرسی در اسناد مختلف حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفته است^۲، اما بر حضور رسانه‌ها در دادگاه به طور مستقل ذیل عنوان دادرسی منصفانه و در قالب آزادی بیان (Freedom of expression) و دسترسی به اطلاعات دادگاه‌ها نیز تأکید شده است (Anite, 2019: 9)؛ بدین‌گونه که رسانه‌ها با ایجاد فضای بحث و گفتگوهای آزاد درباره روند دادگاه، بستر را برای ابراز عقیده و اظهارنظر در مورد منصفانه بودن فرایند دادرسی مهیا می‌کنند. (Uka, 2019: 218)

در این زمینه، آزادی بیان دو جنبه به هم مرتبط دارد: ۱- مردم حق دارند اطلاعات مربوط به دادگاه‌ها را دریافت کنند؛ ۲- رسانه‌ها حق دارند این اطلاعات را به مردم منتقل کنند. (Rodrick, 2004: 128)

نویسندگان این مقاله از رهگذر پژوهش میان‌رشته‌ای رسانه با حقوق کیفری، درصدد پاسخ به این پرسش هستند که آثار و دستاوردهای حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی به عنوان ابزاری مهم در جهت تحقق واقعی اصل دادرسی علنی کدام است؟ به عنوان فرضیه و پاسخ ابتدایی به این سؤال، به نظر می‌رسد که حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی و انتشار جریان آن، هم بر قضایی و هم بر دادستان تأثیرگذار می‌باشد تا آن‌ها وظایفشان

ماده ۶۴ و بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی؛ منشور دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ و توکیو و همچنین بند ۲ ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا؛ به صراحت و یا به طور ضمنی از اصل علنی بودن دادرسی سخن گفته و آن را مورد حمایت قرار داده‌اند.

۱. ماده ۳۵۲ و ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری.

۲. ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی؛ بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر؛ بند ۵ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر؛ بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر؛ بند ۱ از اصل اول اصول و دستورالعمل‌های حق دادرسی عادلانه و معاضدت حقوقی در آفریقا؛ بند ۷

خلاف مخفی و متضاد سر است، و علنی به معنای به طور آشکارا می‌باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳۱۱۸/۱۰)

لذا وقتی صحبت از علنی شدن چیزی یا امری می‌شود، در اصطلاح بدین مفهوم است که آن امر از حالت سری بودن خارج شده و به طریقی، شخص یا اشخاص دیگری از آن مطلع شوند. از این رو، در تعریف علنی بودن دادرسی می‌توان گفت که «آزاد بودن ورود و خروج مردمان به جلسه دادرسی تا بتوانند از جریان آن آگاه شوند؛ این وسیله‌ای است برای منع پاره‌ای از انحرافات». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۲۶۳۶/۳)

برخی نیز آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «منظور از علنی بودن دادرسی این است که افراد و رسانه‌ها بتوانند آزادانه در جلسات دادگاه حاضر شوند و چگونگی جریان آن را از نزدیک ببینند و به اجرای دقیق قوانین، بی‌نظر بودن دادرسان و وجود عدالت واقعی قضایی اطمینان خاطر پیدا کنند» (Triva, and Dika, 2004: 195)

پیشینه‌ی تحقیق

پیشینه داخلی: (انصاری، ۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی» به مطالعه مبانی و حدود این حق پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کرده است که موضوعاتی همچون اصل علنی بودن دادرسی‌ها، آزادی بیان و مطبوعات و حق دسترسی به اطلاعات ایجاب می‌کنند که رسانه‌ها حق دسترسی به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی داشته باشند؛ از سوی دیگر، رعایت اصل برائت، حق دفاع متهم، حقوق خصوصی به ویژه حق حریم خصوصی، نظم جلسات دادرسی، اخلاق حسنه و نظم عمومی ایجاب می‌کنند که دسترسی رسانه‌ها به برخی دادرسی‌ها محدود شود.

(مؤذن‌زادگان و علی بخشی، ۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی اجمالی مقررات کیفری ماهوی و شکلی حاکم بر نشریات الکترونیکی در حقوق ایران»، این استدلال که محیط فعالیت نشریات الکترونیکی، فضای سایبر است و دامنه انتشار فعالیت‌ها در فضای سایبر در ارسال اطلاعات و پیام، بسیار گسترده است و هیچ‌گونه حدود و ثغوری برای ارسال پیام‌ها و دریافت آنان وجود ندارد، و با توجه به اینکه در بسیاری موارد، اتفاق می‌افتد که فعالیت در محیط سایبر سبب ارتکاب جرایم و تخلفاتی مانند تجاوز به حریم خصوصی، نشر اکاذیب، جعل، کلاهبرداری شود، جرم‌انگاری جرایم ارتكابی این رسانه‌ها را ضروری دانسته است. همچنین به این نتیجه رسیده است که مقررات شکلی رسیدگی به جرایم مطبوعاتی از جمله دادگاه صالح، حضور هیأت منصفه و علنی بودن محاکم نیز بر رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی حاکم خواهد بود؛

را بی‌طرفانه و به صورت ماهرانه و تخصصی انجام دهند. رسانه‌های خبری در دادگاه، حقیقت‌یاب دقیقی را تسهیل می‌کنند که شهود را برای گفتن واقعیات تشویق می‌نمایند و همچنین یک منفعت عمومی که هم‌تراز و بلکه فراتر از حقوق متهم است را موجب می‌گردند؛ زیرا عموم مردم حق دارند که بدانند عدالت چگونه اجرا می‌گردد و چه تضمیناتی توسط نظام قضایی اتخاذ می‌شود. لذا، آثار و دستاوردهای مثبت حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی که به عنوان سؤال این پژوهش در نظر گرفته شده بود را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱- شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه عدالت کیفری؛ ۲- ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی جهت اجرای عدالت؛ ۳- پیشگیری از وقوع جرم به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم؛ ۴- رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی؛ ۵- ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین؛ ۶- تأثیر بر عملکرد قضایی و جلوگیری از فساد قضایی.

ادبیات تحقیق

به منظور بکارگیری مفاهیم و اصطلاحات موجود در موضوع پژوهش حاضر، نیاز است که ابتدا این مفاهیم تعریف شوند. در این پژوهش، «رسانه‌های خبری» که محور اصلی مقاله است، عناصری از رسانه‌های جمعی هستند که تمرکز خود را بر روی ارائه اخبار به عموم مردم یا یک جامعه هدف قرار داده و نقش تعیین‌کننده‌ای در انتقال اخبار، وقایع، رویدادها و شکل‌گیری جریان آزاد اطلاعات را بر عهده دارند. این موارد شامل رسانه‌های چاپی (روزنامه، مجله‌های خبری)، برادکست‌ها (Broadcast) (رادیو و تلویزیون)، و اخیراً اینترنت (روزنامه‌های آنلاین، وبلاگ‌ها، پایگاه‌های خبری و ...) است. (Bell, 1991: 33)

دیگر مفهوم اصلی در این پژوهش، «دادرسی» می‌باشد. این واژه مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف، و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. بنابراین دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن. (عمید، ۱۳۶۴: ج ۲۱۸۸/۳)

از این رو، واژه «دادرسی» خود رسیدگی به عدل و داد را افاده می‌کند. در تعریفی دیگر از دادرسی گفته شده است که «شعبه‌ای از علم حقوق است که بحث می‌کند از سازمان قضایی و صلاحیت مراجع قضا و مقررات اقسام دعاوی و اجرای احکام و تصمیمات قضات» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ج ۱۸۵۴/۳).

یکی دیگر از مفاهیم مهم در این نوشتار، «علنی بودن دادرسی» می‌باشد. «علن» در لغت به معنی آشکار و هویدا، ظاهر و منتشر، و

پیشینه خارجی: رودریک (Rodrick, 2004) در پژوهش خود با عنوان «دستیابی به اهداف عدالت‌علنی؟ رابطه بین دادگاه‌ها، رسانه‌ها و مردم»، با مرور تاریخچه رسانه‌ها و تأثیرات مثبت آن بر شفافیت عملکرد نهادهای دولتی به‌ویژه دستگاه قضایی، آزادی بیان را تنها انگیزه رسانه‌ها در جهت حصول اهداف خویش در نظر گرفته و اینطور نتیجه‌گیری کرده است که رسانه‌ها تمایل دارند توجیهات دادرسی‌علنی را از پنجره آزادی بیان مشاهده نمایند. آن‌ها دادرسی‌علنی را به دلیل تأثیر مثبت آن بر بهبود عملکرد قضایی و صحت اظهارات شهود، قابل ستایش نمی‌دانند، زیرا بهبود عملکرد سیستم قضایی، نه کارکرد رسانه‌ها و نه مسئولیت آن‌ها.

جورجیو (Georgiou, 2017) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌های اجتماعی و محاکمه‌علنی: مناقشه یا فرصت در حال ظهور» با رویکردی نقادانه، به تشریح آثار منفی فناوری‌ها و رسانه‌های اجتماعی جدید پرداخته و معتقد است که ظهور اینترنت، موبایل و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک، اسنپ‌چت، توئیتر، یوتیوب، اینستاگرام، واتساپ و تلگرام در زمینه‌علنی بودن دادرسی‌ها، چالش‌های جدی ایجاد کرده است. نویسنده پژوهش مذکور به این نتیجه رسیده است که استفاده بی‌رویه از فناوری اطلاعات فعلی ممکن است لطمه جدی به اجرای عدالت وارد کند. در واقع، انتشار سریع و کنترل‌نشده اطلاعات از طریق شبکه‌های اجتماعی که از سوی افرادی غیر از اصحاب رسانه نیز ممکن می‌باشد، می‌تواند مشکلات بیشتری نسبت به رسانه‌های جمعی در روند دادرسی ایجاد کند. علاوه بر این، روزنامه‌نگاران سنتی برخلاف بلاگرها که جزء مردم عادی هستند، هم آموزش دیده بودند و هم بر مقالات آن‌ها نظارت و کنترل صورت می‌پذیرفت. بنابراین، مردم عادی به دلیل عدم آموزش قوانین مربوط به ارائه گزارش، ممکن است دادرسی را در هر مرحله به خطر بیندازند.

بیکسکی و دیگران (Bicskei and Others, 2018) در تحقیقی تحت عنوان «سازندگان محتوا در مقابل قضات؛ دادگاه در عصر اطلاعات تا چه حد می‌تواند علنی باشد؟» به تعریفی جامع از مفهوم رسانه پرداخته و ظهور فناوری‌های جدید رسانه‌ای و تأثیر آن بر روند دادرسی‌های کیفری را مورد مطالعه قرار داده است. نویسندگان پژوهش مذکور معتقدند در حالی که محل برگزاری دادگاه طی قرن‌ها از یک میدان یا بازار، به یک اتاق دادگاه تقلیل یافته است، در چند دهه اخیر، فناوری‌های مدرن با پخش برنامه‌ها، از طریق تلویزیون، رادیو، فیس‌بوک، یوتیوب، توئیتر، اینستاگرام و غیره، دوباره این فرایند را گسترش داده است. آن‌ها در مقاله خود، با بررسی پرونده معروف کارن باکلی که در آن قربانی اهل ایرلند بوده اما دادگاه در اسکاتلند برگزار شده بود، با این استدلال که

بدین معنا که اصولاً دادگاه کیفری استان صلاحیت رسیدگی به این جرایم را بر عهده خواهد داشت و رسیدگی به جرایم ارتكابی نشریات الکترونیکی در حضور هیأت منصفه یعنی نمایندگان قاطبه افراد جامعه و به طور علنی صورت خواهد گرفت.

(ترزمنی‌نژاد و جمشیدی، ۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت»، با بررسی کارکردهای متفاوت و گوناگون رسانه‌ها، نقش بی‌بدیل مطبوعات، سایت‌های خبری و رسانه‌های جمعی را به عنوان یکی از مصادیق عمده در کنترل و نظارت مردمی و برون‌سازمانی در قوه قضائیه مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه است که رسانه‌های جمعی می‌توانند بر الگوهای موجود حیات و حقوق انسانی از جمله نهادهای قضایی و کارکرد آن تأثیرات بسزایی داشته باشند.

(جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴) در پژوهش خود تحت عنوان «تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی»، با بررسی وضوح فساد قضایی و نقش رسانه در مقابله با این معضل، این‌طور نتیجه‌گیری کرده است که گرچه نشریات و رسانه‌ها اغلب به دلیل انعکاس احساسی پرونده‌های حقوقی، مورد انتقاد قرار می‌گیرند، اما با فراهم کردن آموزش حقوقی لازم در این زمینه، با هدف افزایش مهارت در کشف نقایص نظام حقوقی و یا وقایع مربوط به ارتشاء و فساد، بی‌تردید می‌توان این نقیصه را برطرف کرد. با وجود این، بدون اعطای حق دسترسی به اطلاعات پرونده‌های حقوقی و انتشار مطالب مرتبط با آن، این آموزش حقوقی نیز، عملاً بی‌ثمر بوده و کارکرد نظارتی رسانه را تقلیل خواهد داد.

(رحمانی، ۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «دادگاه رسانه و عدالت رویه‌ای»، با دیدگاهی انتقادی در پی پاسخ به این سؤال بوده است که آیا تشکیل دادگاه ویژه مطبوعات در شکل کنونی آن - که مطلقاً جرایم ارتكابی توسط مطبوعات و دیگر رسانه‌های مشمول قانون مطبوعات را بدون استثنا وفق اصل ۱۶۸ قانون اساسی رسیدگی می‌کند - به تأمین برابری قضایی یا عدالت رویه‌ای منجر شده است؟ نویسنده در آن پژوهش به این نتیجه رسید که به واسطه اعمال رژیم دادرسی ویژه مطبوعاتی در شکل کنونی، انواع نابرابری‌های ناروا مستمراً در حال تکرار است؛ آنچنان که مرتکبین مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی جرایم کاملاً مشابه، در دو رژیم متفاوت دادرسی - یکی در دادگاه عادی عمومی و دیگری در محکمه حمایت‌بنیاد مطبوعات - محاکمه می‌شوند. از طرفی، در حالی که شاکیان خصوصی از عوامل غیرمطبوعاتی، تحت تشریفات معمول محاکم کیفری عمومی تعقیب قضایی مشتکی‌عنه را خواستار می‌شوند، شاکیان از عوامل مطبوعاتی - در موضوع و موضع کاملاً یکسان - ناچارند در محکمه‌ای که با ساختار حمایت‌گرانه از اصحاب رسانه شکل گرفته است، طرح دعوا کنند.

بنابراین، مراحل پژوهش حاضر به اختصار به این شرح است: ۱- جمع‌آوری داده‌ها؛ ۲- طبقه‌بندی داده‌ها؛ ۳- تجزیه و تحلیل اطلاعات؛ ۴- تدوین و نگارش.

یافته‌های تحقیق (جدول ۱)

با توجه به آنچه گذشت، سازمان مقاله به این ترتیب خواهد بود که در دو بخش؛ ابتدا به بیان آثار مثبت و دستاوردهای اجتماعی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی می‌پردازد و در سه بند، این آثار را بررسی می‌نماید و در بخش دوم نیز که شامل سه بند می‌باشد، دستاوردها و آثار فردی این موضوع را تبیین می‌نماید و جایگاه هر یک از آن‌ها را در انسجام دادرسی منصفانه، مشخص خواهد کرد.

آثار اجتماعی پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی

در این رابطه، آثار اجتماعی را می‌توان ذیل سه عنوان بررسی نمود: ۱- شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه عدالت کیفری؛ ۲- ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی؛ ۳- پیشگیری از وقوع جرم، به‌واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم. در ادامه، به تشریح هر یک از این آثار خواهیم پرداخت.

شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه

عدالت کیفری: هدف اصلی حضور رسانه‌ها در جلسات محاکمه، نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه قضایی به واسطه شفافیت روند دادرسی می‌باشد. شفافیت دادرسی به این معناست که نظام دادگاه‌ها قابل دسترسی و قابل فهم است و به روی رسانه‌هایی که به نیابت از شهروندان مشغول به کار هستند، باز می‌باشد (دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل، ۱۳۹۴: ۱۶۸). مدت‌هاست که اصول حقوقی، ارتباط تنگاتنگی را بین مفهوم عدالت و شفافیت دادرسی برقرار می‌کند و تأکید دارد که اولی بدون دومی، هیچ معنایی ندارد. (Hall-Coates, 2015:104)

نقش نظارتی رسانه‌ها توسط کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری اروپا (Organization for Security and Cooperation in Europe) مورد تأیید قرار گرفته است؛ به طوری که حضور اصحاب رسانه در جلسات دادگاه را به عنوان اقدامی راه‌گشا پذیرفته‌اند. (CSCE, 1990: 12)

علاوه بر این، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز جلسات دادرسی علنی با حضور رسانه‌ها را بسان یک سپر محافظتی مهم و اساسی برای منافع فرد و جامعه قلمداد کرده است که شفافیت فرایند دادرسی را تضمین می‌کند و بدین ترتیب از طریق نظارت دموکراتیک بر سیستم عدالت کیفری، در راستای حمایت از حقوق فردی و منافع جمعی گام برمی‌دارد. (HRC General Comment, No.32: 2007: 2)

فراهم آوردن فرصتی برای شهروندان ایرلندی جهت دیدن این دادرسی و شنیدن حکم، باعث گردید که مستقیماً مشاهده نمایند که سیستم قضایی اسکاتلند، به روشی که ایرلندی‌ها می‌پذیرند محاکمه را انجام داده است، جنبه تأثیرگذار و اعتمادساز پخش تلویزیونی دادگاه را در پژوهش خود به اثبات رسانده است.

در مجموع با مرور پژوهش‌های گذشته و مقایسه آن با تحقیق حاضر، می‌توان گفت: ضرورت انجام این تحقیق از آن جهت است که علی‌رغم وجود این پژوهش‌ها، تحقیقی که منحصرأ و به تفصیل موضوع آثار و دستاوردهای فردی و اجتماعی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی و تأثیر آن در تحقق اصل دادرسی منصفانه را دنبال نموده باشد، وجود ندارد. لذا، تازگی و نوآوری موضوع این مقاله و همچنین نبود پژوهشی در این خصوص در ایران، دلیل و انگیزه انجام دادن این پژوهش است.

روش تحقیق

تحقیق از نوع بنیادی و نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در تحقیقات توصیفی همان‌گونه که از نام آن پیداست محقق می‌خواهد وضع موجود یک پدیده یا شی یا اتفاق خاصی را بررسی و توصیف نماید. (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۳۶)

اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند موجب شناخت بیشتر شرایط موجود شود و یا ابزاری در جهت یاری رساندن به فرآیند تصمیم‌گیری باشد. (حیاتی، ۱۴۰۰: ۵۵)

بر این اساس، در پژوهش حاضر، آثار و دستاوردهای فردی و اجتماعی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی، توصیف و تحلیل می‌شود. داده‌های تحقیق نیز به صورت جمع‌آوری اطلاعات به روش «کتابخانه‌ای» می‌باشد. در این روش، پژوهشگر بررسی و تحقیق خود را از راه مطالعه مأخذ و مراجع گوناگون مثل کتاب‌ها، مقالات و آگاهی از تحقیق دیگران انجام می‌دهد. (پلانوکلاک و کرسول، ۱۳۹۹: ۲۴)

بر این اساس با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات میان‌رشته‌ای حوزه علوم رسانه و ارتباطات و حقوق کیفری و جرم‌شناسی، داده‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب با تجزیه و تحلیل داده‌ها، به شیوه کیفی بر استدلال و استنتاج عقلی و تحلیل منطقی مبانی، مفاهیم و ساختار، دیدگاهی نو در خصوص مبانی حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی ارائه شده است. همچنین نمونه‌گیری این پژوهش به صورت نظری و هدفمند انجام شد و جمع‌آوری یافته‌ها تا اشباع نظری اطلاعات ادامه یافت. در نمونه‌گیری نظری اگر به سراغ افراد می‌رویم با هدف کاوش رویدادهاست؛ رویدادهایی که نشانگر مقوله‌های گوناگون مرتبط با پدیده مورد بررسی پژوهش هستند. (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱)

بودن جریان محاکمات در نظام دادرسی کیفری کشورها از طریق پوشش رسانه‌ای، باعث به وجود آمدن جهت‌گیری مثبت و نگاه خوش‌بینانه و رضایت‌مندی جامعه بین‌المللی حقوق بشر نسبت به نحوه فرایند دادرسی شده، و همین امر سبب حمایت و جانبداری همه‌جانبه نسبت به آن سیستم خواهد شد.

ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه

قضایی: صرف پوشش رسانه‌ای، هدف اصلی حضور اصحاب رسانه در دادگاه نمی‌باشد بلکه مقصود اصلی و واقعی چنین حضوری، ایجاد اعتماد و اطمینان عمومی نسبت به سیستم عدالت کیفری می‌باشد؛ زیرا از این طریق، افراد قادر خواهند بود که با رویکردی آگاهانه و بر اساس اطلاعاتی که از طریق رسانه‌های خبری کسب می‌نمایند، اظهارنظر کنند و به بحث و گفت‌وگو بپردازند. (Anite, 2019: 65)

بیشتر بدبینی‌های عمومی در مورد اجرای عدالت، مبتنی بر ناآگاهی از روند دادرسی است. حضور رسانه‌ها در دادگاه، به رفع حجاب چهل و بدبینی کمک خواهند کرد (Lepofsky, 1995: 371-372) مردم در یک جامعه دموکراتیک، از سیستم قضایی خود تقاضای مصونیت مطلق از خطا را ندارند، اما پذیرفتن آنچه که از مشاهده آن منع شده‌اند، برای آن‌ها دشوار است، و به طور منطقی و قابل درک، نسبت به آنچه که پشت درهای بسته اتفاق می‌افتد تردید دارند و مشکوک هستند. (Wayne, 2009: 7)

بر این اساس، می‌توان توجیه کرد که حضور رسانه‌ها در دادگاه، بهترین وسیله برای اطمینان از اجرای عدالت خالص، بی‌طرفانه و کارآمد می‌باشد؛ به‌طوری که جلب اعتماد و احترام عمومی را نسبت به سیستم عدالت کیفری در بر خواهد داشت. (Dadwal, 2019: 902) از نظر تاریخی نیز دادرسی علنی به واسطه حضور اصحاب رسانه در دادگاه، به دلیل تأثیر مثبت آن بر کیفیت عدالت که توسط دادگاه‌ها اجرا می‌شود، مورد ستایش قرار گرفته است.

(Lanni, 2012: 119-135)

لذا پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، این امکان را به عموم مردم می‌دهد که بدانند عدالت بی‌طرفانه اجرا می‌شود. (Cooper, 2019: 4) همچنین گفته می‌شود که برای حفظ حاکمیت قانون و ثبات جامعه، بسیار مهم است که افراد جامعه به دادگاه‌ها اعتماد داشته باشند؛ با اراده خود، نسبت به این مرجع تسلیم شوند و از دستورات آن اطاعت کنند و نتایج را بپذیرند؛ حتی اگر برای آن‌ها مطلوب نباشد. در واقع، این اعتماد عمومی است که در نهایت به دادگاه‌ها مشروعیت واقعی

دستگاه قضایی نباید از پاسخ‌گویی به رسانه‌ها معاف شود، زیرا سایر قوا نیز معاف نیستند. همان‌طور که رئیس‌جمهور و اعضای دولت ملزم به ارائه سخنرانی‌ها و گزارشات پیاپی به مردم هستند و رئیس مجلس و سایر نمایندگان قوه مقننه برای شفاف‌سازی عملکرد خود، تعداد زیادی از جلسات خود را در حضور رسانه‌های گروهی برگزار می‌کنند، رئیس دستگاه قضا و قضات دادگاه‌ها نیز باید با برگزاری دادرسی‌ها در حضور رسانه‌ها، علنی بودن دادرسی را تضمین نمایند و از طریق پخش روند دادگاه از تلویزیون و انتشار آن در جراید و خبرگزاری‌ها، در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو باشند (Marder, 2012: 11) بر این اساس، حق دادرسی علنی به واسطه حضور اصحاب رسانه در جلسات دادگاه، وظیفه ناظر و آگاهی‌دهنده روند محاکمه را بر عهده دارد و فرصتی را برای افراد جامعه فراهم می‌کند تا در اجرای عدالت، موشکافی کنند. لذا می‌توان گفت که یکی از نقش‌های اساسی رسانه‌های گروهی در دادگاه، تأمین دموکراسی می‌باشد (Paciocco, 2005: 388) و این موضوع، یکی از مصادیق سیاست جنایی مشارکتی^۱ (البته در شکل غیرمستقیم آن) تلقی می‌شود.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که امروزه با توجه به رویکردی که در جامعه بین‌المللی وجود دارد، مسئله حقوق بشر و رعایت آن در رأس تمام جهت‌گیری‌ها و گفتمان‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد. بر همین اساس، نظارت عمومی بر عملکرد دستگاه قضایی یک کشور صرفاً توسط مردم آن جامعه صورت نمی‌پذیرد، بلکه جامعه جهانی حقوق بشر نیز با توجه به رسالتی که دارد، در هر برهه‌ای از زمان بر عملکرد سیستم عدالت کیفری کشورها نظارت داشته و فرایند رسیدگی‌های کیفری آن‌ها را زیر ذره‌بین قرار می‌دهد و همیشه با نگاه تیزبین و نقادانه خود، قوانین داخلی کشورها را در زمینه رعایت اصول دادرسی منصفانه رصد می‌کند. بارها دیده شده است که هرگاه کشوری در سیستم دادرسی و در روند رسیدگی‌های کیفری خود، قسمتی از حقوق حقه افراد را زیر پا گذارد و نادیده بگیرد، جامعه بین‌المللی حقوق بشر با تمام قوا علیه آن سیستم به پا می‌خیزد و به طور راسخ عزم خود را برای مقابله با آن ناعدالتی‌ها جزم می‌نماید. به نظر می‌رسد امروزه موفقیت از آن دولت‌هایی است که به نحو پیش‌تازانه‌ای عمل کرده و نقطه‌نظرات خود را در چارچوب هنجارهای مقبول و مطلوب بین‌المللی عنوان می‌نمایند. (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۵: ۱۵).

بنابراین، حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی و در دسترس

^۱ منظور از سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزه‌کار و بزه‌دیده و به ویژه کل جامعه یا مردم داده شده است.

به قول جرمی بنتام (Jeremy Bentham) «با علنی بودن دادرسی، ساختمان عدالت به مدرسه‌ای درجه یک تبدیل می‌شود؛ جایی که مهم‌ترین شاخه‌های اخلاق، در آن آموزش داده می‌شوند» (Bentham, 1962: 317)

موضوعات حقوقی اصولاً با امور تخصصی و تشریفات بعضاً پیچیده دادرسی گره خورده، به نحوی که درک این فرایند برای عموم مردم با دشواری همراه است. نحوه کارکرد نظام عدالت کیفری همواره برای مردم رمزآلود و مبهم است؛ چرا که غالباً تجربه مستقیمی از حضور در دادگاه‌ها نداشته و دادگاه و نحوه رسیدگی در آن‌را از دریچه فیلم‌ها و سریال‌ها و به صورت تصنعی درک می‌کنند. در این شرایط، حضور رسانه‌ها در جلسات دادرسی علنی و دسترسی به مدارک و پرونده‌های قضایی و همچنین انتشار جریان محاکمات، می‌تواند از نظام قضایی و رسیدگی‌های آن رمزگشایی کرده و اطلاعات مناسبی را در اختیار مردم قرار دهد. (مرادی حسن‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۴۹)

بنابراین، وقتی جلسات دادگاه‌ها به صورت علنی و در حضور رسانه‌ها برگزار می‌شود، حداقل منفعت آن این است که فرصتی برای درک سیستم قضایی به طور کلی، و عملکرد آن در یک پرونده خاص وجود دارد. (Rodrick, 2004: 127)

از این‌رو، پوشش رسانه‌ای جلسات دادگاه و انتشار جریان دادرسی، شهروندان را از عملکرد و کارایی سیستم قضایی آگاه می‌کند و به آن‌ها فرصتی می‌دهد تا درباره قانونی که جامعه باید از آن تبعیت کند، مطلع شوند. (Hall-Coates, 2015: 108)

یکی از عناصر و الزامات پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، اجازه دسترسی رسانه‌ها به مدارک و پرونده‌هایی است که در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته و یا در جریان رسیدگی می‌باشد؛ که این خود، به واسطه قادر ساختن عموم مردم به آشنایی با قضاوت‌های صورت گرفته نسبت به پرونده‌ها، در آموزش عمومی و نقش پیشگیرانه و بازدارندگی، تأثیر بسزایی دارد. (Mclachlin, 2014: 3)

بنابراین پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، می‌تواند منجر به در دسترس قرار گرفتن مدارکی شود که در صورت عدم حضور رسانه‌ها، این مدارک، پنهان و مستور می‌ماند و در دسترس نخواهند بود. (Anite, 2019: 62)

موضوعی که باید بدان توجه نمود این است که، مجرمین بالقوه و افرادی که در مظان ارتکاب جرم هستند، با مشاهده نحوه دادرسی و همچنین نظام قضایی بی‌طرف، مقتدر و کارآمد، نسبت به عواقب رفتارهای آتی خود آگاه می‌شوند و راه‌گریز از محکومیت و مجازات را به ویژه از طریق اعمال نفوذ و سوءاستفاده از موقعیت، بر خود بسته دیده و این امید در دل آن‌ها خفه می‌گردد. (ناجی زواره، ۱۳۸۹: ۲۱)

و اقتدار مؤثر را می‌بخشد (Rodrick, 2004: 126) و منجر به تضمین حقوق فردی و تأمین منافع جمعی می‌شود.

باید توجه داشت که اعتماد عمومی صرفاً از طریق یک نظارت انفعالی و بدون ضمانت اجرا شکل نخواهد گرفت. بنابراین، پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی و انتشار جریان آن، در صورتی اعتماد عمومی را تأمین می‌کند که مردم بتوانند آنچه را که می‌بینند، تأیید نمایند یا مورد انتقاد قرار دهند (Campbell & Hoong, 2012: 278)

بدین ترتیب، در صورتی که مردم از آنچه مشاهده کرده‌اند ناراضی باشند، باید بتوانند آزادانه از دادگاه‌ها انتقاد کرده و خواستار تغییر باشند. به قول دادستان کل کشور ترینیداد و توباگو (Trinidad and Tobago) که معتقد است: «عدالت یک فضیلت پنهانی نیست؛ باید اجازه داده شود که مورد احترام و انتقاد قرار گیرد، حتی اگر این عمل به صراحت توسط مردم عادی جامعه صورت پذیرد» (Rodrick, 2004: 127).

بنابر آنچه آمد، می‌توان نتیجه گرفت که حضور اصحاب رسانه در دادگاه و پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، علاوه بر اینکه برای طرفین دعوی ایجاد امنیت قضایی می‌کند، برای سایر افراد جامعه که وارد فرایند دادگستری نشده ولی شاهد این وصف هستند، اطمینان خاطر ایجاد می‌کند و اگر به طور معمول، بیم تضییع حقوق و امنیت خود را در سطح جامعه دارند، لاقلاً این بیم را ندارند که در صورت تضییع حقوق و مراجعه به دادگستری، ظلم بر آن‌ها مضاعف خواهد شد. وجود این اعتماد، حکم قطعی قضایی را فصل‌الخطاب قرار داده و هرگونه تلاش در جهت نقض آن را محکوم می‌کند. شاید به همین دلیل است که تجدیدنظرخواهی از احکام قطعی، به‌عنوان استثنا پذیرفته می‌شود تا به این اعتماد خللی وارد نشود.

پیشگیری از وقوع جرم، به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم: در حالی که اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها، حق دادرسی علنی را به عنوان یک حق شخصی، خاص و بنیادین طرفین دعوی مطرح می‌کنند، داشتن حق حضور در هرگونه دادرسی کیفری برای اصحاب رسانه نیز بسیار مهم است، زیرا اهداف سیستم دادرسی علنی، چندمنظوره می‌باشد و شامل مقاصد آموزش عمومی نیز می‌گردد. (Cunliffe, 2012: 387)

انتشار منظم، صحیح و قاعده‌مند محاکمات توسط رسانه‌های گروهی، درک عمومی مردم از روند دادرسی را افزایش می‌دهد. از این‌رو، ضروری است که دستگاه قضایی از طریق سازکارهای مربوط به شفاف‌سازی، تلاش کند روند دادرسی از جمله نکات پیچیده قانونی را توضیح دهد تا رسانه‌ها با رویکردی آگاهانه، اقدام به تهیه گزارش نمایند. (Anite, 2019: 64)

(rights) به عنوان یک نهاد نظارتی جریان‌ساز در حوزه حقوق بشر، ارزش علنی بودن دادرسی به واسطه حضور رسانه‌ها در دادگاه را چنین بیان می‌کند: «برگزاری جلسات دادگاه به صورت علنی و با حضور رسانه‌ها، یک اصل اساسی مندرج در بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون است. ویژگی‌های دادرسی علنی، از متهم در برابر اجرای عدالت مخفیانه و بدون نظارت عمومی، محافظت می‌کند. بنابراین، علنی بودن و پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، دستیابی به هدف ماده ۶ کنوانسیون اروپایی یعنی محاکمه‌ای منصفانه که تضمین آن یکی از اصول اساسی در هر جامعه دموکراتیک (democratic) است را ممکن می‌سازد (ECtHR, Case of Krestovskiy v. Russia, 2010: 24).

همچنین از آنجایی که اصل بر براءت است، حضور رسانه‌های خبری در دادگاه و پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی یکی از ابزارهای عدالت‌درمانی نیز محسوب می‌شود؛ بدین معنا که در مورد اشخاصی که حق آن‌ها تضعیف شده یا به آبرو، شهرت و اعتبار آن‌ها لطمه وارد شده است، انتشار جریان دادرسی توسط رسانه‌ها سبب تسکین خاطر و احساس درمان و بهبود و ترمیم وضعیت است. بدین ترتیب، زمانی که حقانیت یا بی‌گناهی یک شخص در حضور رسانه‌ها اعلام می‌شود و از طریق وسایل ارتباط جمعی انتشار می‌یابد و به اطلاع عموم می‌رسد، شخص احساس می‌کند که از وی رفع ظلم شده و اعتبار آسیب‌دیده‌اش ترمیم یافته است. (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۷۴)

از این رو می‌توان علنی بودن جلسات دادگاه و افزایش دسترسی به فرایند دادرسی توسط رسانه‌ها را ضابطه‌ای دانست که از حق اعاده حیثیت مجرمان (متهمان) محافظت می‌کند.

(Spotlight on Corruption, 2019: 12)

در نظام حقوقی ایران نیز نقش و تأثیر بسزای علنی بودن دادرسی و پوشش رسانه‌ای جلسات دادگاه در اعاده حیثیت از متهم، مورد پذیرش قرار گرفته است؛ به طوری که حتی در مذاکرات خبرنگاران قانون اساسی، راجع به اصل علنی بودن نیز به این مبنا اشاره شده و یکی از اعضا تصریح کرده است که: «چه بسا شخصی بخواهد به اجتماع وابسته به خودش در دادگاه صالح ثابت کند که مظلوم واقع شده است. بنابراین حتی اگر در دعاوی خصوصی نیز یکی از طرفین دعوا تقاضای علنی بودن را داشت، باید تقاضای او را پذیرفت، منتها اجازه حضور اجتماعی محدود را داد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴/۳: ۳۰۸).

در مجموع باید گفت که نادیده گرفتن حقوق دفاعی متهم، آن هم در دیدگاه افکار عمومی، موجب واکنش مردم شده و مطالبات آن‌ها در اجرای عدالت به نفع صحیح، به طور غیرمستقیم دستگاه قضایی

بر این اساس، جدیت و قاطعیت دستگاه عدالت کیفری در برخورد با مجرمین از دریچه رسانه‌ها، با صراحت بیشتری به بزهکاران بالقوه منتقل خواهد شد. لذا می‌توان به نقش بازدارندگی حضور اصحاب رسانه در دادگاه‌های علنی و انتشار جریان رسیدگی، اشاره نمود.

من حیث‌المجموع می‌توان گفت با ورود رسانه‌ها به دادگاه و تحت پوشش قرار دادن مذاکرات و انتشار جریان دادرسی و دلایل آرای صادره برای عموم افراد جامعه، مردم می‌توانند آنچه را که به نام عدالت اجرا می‌شود دنبال کنند و مورد ارزیابی و نقد قرار دهند و بدین ترتیب، آگاهی یافتن نسبت به این امر که چه انواعی از مجازات در قبال جرایم ارتكابی اعمال می‌شوند، دربردارنده تأثیر پیشگیرانه‌ای بر روی بزهکاران بالقوه می‌باشد. جنبه مورد شناسایی عموم واقع‌شدن و خطر محکوم شدن و به زندان فرستاده شدن ممکن است حساسیتی را جهت ارتكاب جرایم بدین‌گونه که کیفرگرایان فایده‌گرایان ادعا می‌کنند، ایجاد نماید.

آثار فردی پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی

در این خصوص، آثار فردی را می‌توان ذیل سه عنوان بررسی نمود: ۱- رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی؛ ۲- ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین؛ ۳- تأثیر بر عملکرد قاضی و جلوگیری از فساد قضایی. در ادامه، به تشریح هر یک از این آثار خواهیم پرداخت.

رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی

شخصی که به عنوان متهم توسط مرجع عدالت کیفری مورد محاکمه قرار می‌گیرد، موجود فاقد حق و نگون‌بختی در دستان قاضی نیست که به ادعا و علت تجاوز به نظم عمومی و تعدی به ارزش‌های اساسی جامعه، تاوان اقدام مجرمانه ادعایی یا ارتكابی خویش را هر آن‌گونه که مقام قضایی ذی‌صلاح تشخیص می‌دهد، پس دهد. (ناجی‌زواره، ۱۳۸۹: ۵)

بنابراین، حضور اصحاب رسانه در جلسات دادرسی و پوشش جریان محاکمه توسط آن‌ها، ابزاری اساسی است که به موجب آن می‌توان مطمئن شد که مقام قضایی با عنایت به قانون، عادلانه عمل می‌کند و در نتیجه، حقوق دفاعی متهم و تضمینات مرتبط با آن را مورد توجه قرار خواهد داد. بر همین اساس، هنگامی که به اتهام فردی در حضور اصحاب رسانه رسیدگی می‌شود، متهم با خاطری آسوده در دادگاه به دفاع از خود می‌پردازد و در برابر قاضی و دادستان احساس تنهایی و ضعف نمی‌کند؛ زیرا اطمینان خاطر دارد که مقام رسیدگی‌کننده از ترس قضاوت مردم و رسانه‌ها در مورد عملکرد او، حقوق و آزادی‌های قانونی وی را نادیده نخواهد گرفت و تمام تلاش خویش را در جهت اجرای صحیح عدالت معطوف می‌نماید.

دیوان اروپایی حقوق بشر (European court of human

شود: (ECtHR, Case of P.S v. Germany, 2001).
(21 دادگاه آمریکایی حقوق بشر (Inter-American Court of Human Rights) نیز در یکی از پرونده‌های تحت رسیدگی خود، بخشی از استدلال خود در دفاع از پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی را بر اساس رفتار شهود بنا نهاد و علنی بودن دادرسی به واسطه حضور اصحاب رسانه را ابزاری در جهت راستی‌آزمایی شهادت آن‌ها دانست. در این راستا، این دادگاه شهادت یک شاهد خاص را به دلیل نحوه شهادت دادن وی، رفتار و طرز برخورد او در هنگام دادرسی و همچنین شخصیتی که از خود نشان داد، غیرقابل استناد در نظر گرفت و صدق گفتار وی را دچار خدشه دانست. (IACtHR, Case of Aloeboetoe v (Suriname, 1993: 58

به همین دلیل، استفاده از شهادت یک شاهد ناشناس (برای مثال جایی که متهم در دادگاه از هویت شاهد مطلع نیست)، نقض حق سؤال متهم از شهود است؛ زیرا متهم از اطلاعات ضروری جهت جرح اعتبار شاهد محروم می‌ماند و بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، یعنی اعتبار شهادت شهود و ارزیابی صداقت آن‌ها در رفتار و گفتار، دچار خدشه خواهد شد.

همچنین ادعا شده است که علنی بودن دادرسی و حضور رسانه‌ها در دادگاه، ممکن است شهود ناشناخته را مجاب کند تا برای شهادت در دادگاه حاضر شوند و یا باعث گردد افراد مطلع و کسانی که دارای اطلاعات خاصی در زمینه پرونده مطروحه هستند و می‌توانند در پیشبرد دادرسی کمک نمایند، تشویق شوند تا برای ادای اظهارات و بیان اطلاعات خود، حضور پیدا کنند. (Radin, 1932: 381-384)

تأثیر بر عملکرد قاضی و جلوگیری از فساد قضایی:

اعتقاد بر این است که پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی باعث می‌شود قضات در قبال رفتار خود، پاسخ‌گو باشند. بر همین اساس، حضور اصحاب رسانه در دادگاه، یک سپر محافظتی در برابر اعمال قدرت خودسرانه قضات محسوب می‌شود و نقشی محوری را در اطمینان از بی‌طرفی قاضی ایفا می‌نماید. (Dadwal, 2019: 901)

عموم مردم حق دارند بدانند کدام یک از مقامات قضایی رفتار بد و نادرستی انجام می‌دهند. قاضی مستبد در اتاق دادگاه و قضاتی که از انجام صحیح مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند، به واسطه حضور رسانه‌ها شناخته خواهد شد و مورد انتقاد قرار خواهد گرفت. به همین ترتیب، به واسطه انتشار جریان دادرسی از سوی رسانه‌های خبری، قضاتی که رفتار خوبی در دادگاه دارند و با مسئولیت‌پذیری به وظایف خود عمل می‌کنند، باعث می‌شوند عموم جامعه احترام بیشتری به دادگستری بگذارند. با شناسایی این قبیل قضات

را به مسیر اجرای عدالت واقعی هدایت می‌کند بر این اساس، رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی، به عنوان یکی از آثار و نتایج مثبت پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی شناخته می‌شود.
ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین: پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی به دلیل ارتباط با پیگیری و دستیابی به حقیقت، مورد تحسین قرار گرفته است؛ زیرا حقیقت‌یاب دقیقی را تسهیل می‌کند که شهود را برای گفتن واقعیت تشویق می‌نماید. در جلسات دادگاهی که توسط رسانه‌های خبری پوشش داده می‌شود، اشخاصی که به عنوان شهود، مطلعین، کارشناسان و سایر اشخاصی که در پرونده دخالت دارند حضور می‌یابند، به واسطه حضور اصحاب رسانه، خود را در کانون توجه عموم یافته، از بیان اظهارات ناصواب پرهیز می‌نمایند. (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۹)

نظریه پردازان حقوقی طرفدار علنی بودن دادرسی، معتقدند که باید این واقعیت را پذیرفت هنگامی که شخصی در یک دادگاه علنی و با حضور اصحاب رسانه در حال شهادت دادن است، کیفیت شهادت وی افزایش پیدا خواهد کرد؛ زیرا قرار گرفتن در معرض دید رسانه‌ها و عموم مردم، شاهد را ملزم می‌نماید که فقط حقیقت را بگوید. (Jaconelli, 2002, 36-37)

بدین سبب، حق متهم مبنی بر پرسش از شهود در حضور اصحاب رسانه، با این استدلال توجیه می‌شود که او بتواند از رهگذر این پرسش‌ها، دلایل و اعتبار آن‌ها را مورد چالش قرار داده و از خود دفاع کند. بر همین اساس، رویارویی متهم با شهود و پرسش از آن‌ها، به این دلیل جزء الزامات علنی بودن دادرسی محسوب می‌شود که چنین رویدادی در جلسه دادگاهی که توسط رسانه‌های خبری پوشش داده شده است، اصالت شهادت شاهد در بیان حقایق را تضمین می‌نماید و نقض بی‌طرفی او را در حضور رسانه‌ها بر ملا می‌سازد. لذا شهود واقعه، با توجه به این فرایند و برای حفظ آبروی خود در پیشگاه عموم مردم، از بیان مطالب خلاف واقع در جهت طرفداری از منافع یکی از طرفین خودداری می‌کنند. (ناجی‌زواره، ۱۳۸۹: ۳۲۲)

از همین روست که کمیته حقوق بشر سازمان ملل (United Nations Human Rights Committee) در یکی از قضایای مطرح‌شده، چنین اعلام نمود که با توجه به اینکه متهم نتوانسته شهود خود را در دادگاه حاضر نماید و شهود مقابل را مورد پرسش قرار دهد، مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این باره نقض گردیده است (HRC, Case of Antonaccio v. Uruguay, 1981: 20). همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر حق متهم مبنی بر سؤال از شهود علیه خود را به این معنی می‌داند که کلیه شواهد و مدارک باید به طور معمول در یک جلسه علنی و با حضور رسانه‌ها، با توجه به مباحثات و استدلال توافقی ارائه

رسانه‌های خبری در دادگاه و انتشار جریان دادرسی توسط آن‌ها، می‌تواند با فراهم کردن امکان نظارت مردم و انعکاس نارضایتی آن‌ها از نحوه حق‌گذاری در محاکم دادگستری، فقدان هیأت‌منصفه را تا حدی جبران نماید. (خالقی، ۱۳۸۳: ۳۸)

بنابراین در مجموع باید گفت که حضور اصحاب رسانه در جلسات دادرسی و نظارت عمومی بر دادگاه‌ها از دریچه رسانه‌ها، هم بر قاضی و دادستان و هم بر هیأت منصفه تأثیرگذار می‌باشد تا آن‌ها وظایفشان را بی‌طرفانه و به صورت ماهرانه و تخصصی انجام دهند. بدین ترتیب با وجود نظارت تیزبین رسانه‌ها بر جریان دادرسی، امکان نفوذ بر فرایند دادرسی و اتخاذ تصمیمات نامناسب به حداقل می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در بیان محتوای اصل علنی بودن دادرسی‌ها می‌توان دو دیدگاه متفاوت را از هم متمایز کرد؛ دیدگاه سنتی و دیدگاه جدید. بر اساس دیدگاه سنتی، منظور از علنی بودن این است که در جلسات دادرسی به روی عموم باز باشد و مانعی در برابر حضور فیزیکی افراد در این جلسات ایجاد نشود. این دیدگاه با تعریف مضیق از علنی بودن، آن را به عدم ایجاد مانع در برابر حضور مستقیم و فیزیکی افراد در جلسات دادرسی معنا می‌کند. باین حال، امروزه در نظام قضایی اکثر کشورها برای ارتقای جایگاه اصل علنی بودن، توجه به تحولاتی که در عرصه فناوری‌های ارتباطی رخ داده، دیدگاه نسبتاً موسعی در خصوص این اصل پیدا شده است. از همین‌رو، حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادگاه و امکان انتشار جریان آن، یکی دیگر از جلوه‌های علنی بودن دادرسی شمرده می‌شود. از آنجا که افراد کمی ممکن است در جامعه وقت یا تمایل داشته باشند که شخصاً در دادگاه حاضر شوند، حق خود بر حضور در جلسه دادرسی را اعمال نمی‌کنند بلکه به جای آن، به گزارش رسانه‌های خبری در این خصوص تکیه دارند. در نتیجه، در عصر مدرن حاضر، رسانه‌های خبری عنصر و جوهره واقعی عدالت علنی محسوب می‌شوند و اهمیت و ارزش آن‌ها با حق حضور و مشاهده عینی روند دادرسی از سوی مردم، برابر است. بنابراین نباید مانع ورود اصحاب رسانه به جلسه دادگاه گردید تا بتوانند جریان رسیدگی را برای افرادی که نتوانسته‌اند شخصاً در جلسه رسیدگی شرکت کنند، انعکاس دهند.

برای نوشتار حاضر این است که نظارت عمومی بر دستگاه قضایی به واسطه حضور رسانه‌ها در جلسات دادرسی و انتشار جریان آن، هم بر قاضی و هم بر دادستان تأثیرگذار می‌باشد تا آن‌ها وظایفشان را بی‌طرفانه و به صورت ماهرانه و تخصصی انجام دهند. رسانه‌های خبری در دادگاه، حقیقت‌یاب دقیقی را تسهیل می‌کنند که شهود را برای گفتن واقعیات تشویق می‌نمایند و همچنین یک منفعت

وظیفه‌شناس، می‌توان با تشویق و قدردانی از آن‌ها، باعث ایجاد انگیزه در سایر قضات شد تا بدین ترتیب، از فساد قضایی جلوگیری نمود. (Marder, 2012: 11)

از این‌روست که گفته شده: «سیستم دادرسی باید علنی باشد تا نشان بدهد که خود فاسد نیست، خوب عمل می‌کند و همین‌طور با نقض قوانین و فساد، به درستی مبارزه می‌نماید» (Dadwal, 2019: 902)

توماس بورگنتال (Thomas Buergenthal)، قاضی سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، در مورد ارزش حضور رسانه‌ها در دادگاه و اطلاعات آن‌ها در زمینه یک پرونده و عواقب منفی عدم انجام آن، اظهار داشت: «اولاً اینکه قضات و کارمندان دادگاه مراقب رفتار خود خواهند بود و از هرگونه اظهارنظر شورانگیز در مورد رسیدگی به پرونده‌ها خودداری خواهند کرد؛ زیرا می‌دانند اظهاراتی که ابراز می‌کنند، مطمئناً توجه عمومی را به نفع یا بر علیه آن‌ها جلب خواهد کرد. ثانیاً، در صورتیکه محاکمات به صورت بدون حضور رسانه‌ها برگزار گردد، تردید در منصفانه بودن آن، بیش از پیش رخ می‌نمایند. این مشاهدات، ارزش جلسات علنی را که در آن رسانه‌ها دسترسی مستقیم به دفاعیات طرفین دعوی، شهادت شاهد و استدلال‌های مورد بحث در جلسه را دارند، تقویت می‌کنند» (Cavallaro and Brewer, 2008: 802)

مطالعات میدانی در برخی کشورها نیز نشان می‌دهد قضات هنگامی که به واسطه برگزاری علنی جلسات دادرسی، از حضور رسانه‌های خبری در جلسه مطلع می‌شوند، از نظر علمی و ذهنی آماده‌تر از قبل در جلسه حاضر می‌گردند. (Stepniak, 2008: 391)

از سوی دیگر، این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که حضور اصحاب رسانه در دادرسی علنی، از سازوکارهای تضمین اصل استقلال قضایی است؛ زیرا از طریق نظارت تیزبین افکار عمومی بر جریان محاکمه، امکان فشار، نفوذ و دخالت در فرایند محاکمه به حداقل خواهد رسید. (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۸۰)

بیان این نکته نیز خالی از لطف نمی‌باشد که اعضای هیأت منصفه به عنوان نماینده مردم، از همان ابتدا که هیچ رسانه‌ای وجود نداشت، وسیله اصلی اجرای ارزش‌های دادرسی علنی در جامعه بودند. (Georgiou, 2017: 9)

لذا در عصر حاضر، شفافیت به وجود آمده از طریق پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی، مسئولیت هیأت منصفه‌ای که مجبور به تصمیم‌گیری و اظهارنظر در مقابل رسانه‌ها هستند را بیشتر می‌کند و باعث می‌گردد با دقت بیشتری در مورد موضوع دعوی، به مشورت پردازند. (Bicskei & Others, 2018: 2)

همچنین در کشورهایی که حضور هیأت منصفه در محاکم آن عمومیت نیافته و محدود به رسیدگی به جرایم خاصی است، حضور

۲- در حوزه سیاست‌گذاری حقوقی در قوانین ایران، در هیچ یک از مصوبات مرتبط با آیین دادرسی کیفری، الزامات رفتاری و نحوه حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی شناسایی نشده است. لذا پیشنهاد می‌شود سازوکارهای خاصی در این زمینه تصویب گردد. به عنوان نمونه، اصحاب رسانه باید به موقع و سر ساعت مقرر خود را به محل برسانند و با کارت شناسایی معتبر و کارت مطبوعاتی، وارد اتاق دادگاه شوند. در معیت سالن دادگاه، یک فضای مخصوص به نام اتاق مطبوعات تعبیه شود که در آنجا جلسه دادرسی به طور زنده پخش گردد و خبرنگاران بتوانند برای گزارش‌دهی برخط روند جلسه، به اینترنت بی‌سیم دادگاه متصل شده و از لپ‌تاپ یا تلفن‌های همراه خود استفاده نمایند.

۳- تشکیل کارگروه تخصصی مشتمل بر متخصصان حوزه‌های حقوق کیفری، رسانه و جامعه‌شناسی، تا با ایجاد یک برنامه مدون به مباحث نظری این حوزه که دارای اهمیت بسزایی است، جنبه عملی و کاربردی دهند.

۴- با توجه به چند بعدی بودن دادرسی علنی و میان‌رشته‌ای بودن رهیافت پوشش رسانه‌ای، پیشنهاد می‌گردد قوای حکومتی (مقتنه، قضائیه و مجریه) با همراهی و همیاری نهادهای اجتماعی (جامعوی) با در دست داشتن مدیریت رسانه‌های خبری داخلی و بین‌المللی، در راستای شفافیت دادرسی قدم برداشته و موضوع مطمح‌نظر را صرفاً به یک دستگاه مسئول واگذار نکنند؛ شایسته است کلیه نهادهای دولتی و جامعوی برای ارتقای جایگاه رسانه‌ها در رابطه با پوشش جلسات دادرسی و انتشار جریان آن، تلاش نمایند.

با این حال باید توجه داشت که پوشش رسانه‌ای جلسات دادرسی به عنوان یک اصل، ممکن است در موقعیت‌های گوناگون در تعارض با برخی موضوعات مهم و حیاتی قرار گیرد که هریک از این موضوعات به نوبه خود، انواع ارزش‌های اساسی دموکراتیک و حاکمیت قانون را شکل می‌دهد. لذا حضور رسانه‌های خبری در دادگاه، در صورت بروز تعارض با چنین موضوعاتی، می‌تواند با استثنائات و محدودیت‌های قانونی مواجه گردد. بر همین اساس، تنها به دلایل از قبل تعیین شده و در نتیجه موازنه منافع و ارزش‌های متعارض، اصحاب رسانه ممکن است از حضور در کلیه یا بخشی از جلسات دادرسی محروم شوند. آنچه در این زمینه حائز اهمیت می‌باشد این است که ایجاد هرگونه محدودیت برای حضور رسانه‌های خبری در دادگاه و پوشش جلسات رسیدگی، باید بر اساس تصمیم دادگاه باشد که مطابق با قانون آیین دادرسی مربوطه اتخاذ می‌گردد. لذا ایجاد محدودیت برای رسانه‌ها در غیر از موارد مصرح قانونی، نقض اصول دادرسی منصفانه و نادیده گرفتن حقوق اساسی افراد تلقی می‌گردد.

عمومی که هم‌تراز و بلکه فراتر از حقوق متهم است را موجب می‌گردند؛ زیرا عموم مردم حق دارند که بدانند عدالت چگونه اجرا می‌گردد و چه تضمیناتی توسط نظام قضایی اتخاذ می‌شود. لذا، آثار و دستاوردهای مثبت حضور رسانه‌های خبری در جلسات دادرسی که به عنوان سؤال این پژوهش در نظر گرفته شده بود را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱- شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه عدالت کیفری؛ ۲- ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی جهت اجرای عدالت؛ ۳- پیشگیری از وقوع جرم به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم؛ ۴- رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی؛ ۵- ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین؛ ۶- تأثیر بر عملکرد قاضی و جلوگیری از فساد قضایی.

پیشنهاد‌های تحقیق

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، در خصوص حضور رسانه‌ها در دادگاه و اعمال هرچه بهتر پوشش رسانه‌ای جریان دادرسی و انتشار کامل و بی‌نقص آن، محقق به دست‌اندرکاران و متولیان مسئول توصیه می‌کند در هریک از زمینه‌های سیاست‌گذاری شامل سیاست‌گذاری رسانه‌ای و سیاست‌گذاری حقوقی به تدوین راهکارهایی درخور بپردازند تا از این طریق، کارآمدی رسانه‌ها را در خصوص تحت پوشش قرار دادن جلسات دادرسی و انتشار جریان آن، بالا ببرند. از جمله این پیشنهادها:

۱- در حوزه سیاست‌گذاری رسانه‌ای، به متولیان امر پیشنهاد می‌شود از طریق تعامل با قوه قضائیه، علاوه بر اینکه اصحاب رسانه از طریق تلویزیون، مطبوعات و خبرگزاری‌ها، جریان دادرسی را به سمع و نظر عموم مردم می‌رسانند، تمامی دادگاه‌ها ضمن داشتن پایگاه اینترنتی، مجهز به واحد سیار تلویزیونی نیز باشند. بدین ترتیب، پخش فیلم از جلسات دادرسی علنی از طریق وب‌سایت رسمی دادگاه، نمونه خوبی است که نشان می‌دهد محاکم چگونه می‌توانند از ابزار خاص فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت علنی کردن دادرسی برای عموم و شفافیت گسترده فعالیت‌های خویش، استفاده نمایند. پخش جلسات علنی از طریق پایگاه اینترنتی دادگاه مربوطه، این امکان را برای عموم فراهم می‌آورد که بدون نیاز به نشستن در اتاق دادگاه، جلسات علنی را به صورت برخط دنبال کنند. چنین روشی به ویژه در این دو سال اخیر که محدودیت‌های مربوط به بیماری (COVID-19) باعث ایجاد موانعی جهت حضور افراد و حتی رسانه‌ها در جلسات علنی شد، بیش از پیش دارای ارزش و اهمیت بوده است.

جدول شماره ۱ - یافته‌ها

ابعاد	یافته‌ها	کارکردها	موانع و مشکلات
اجتماعی	شفافیت دادرسی و نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه عدالت کیفری	شفافیت عملکرد دادگاه‌ها/ نظارت رسانه‌ها/ نظارت افکار عمومی/ جهت‌گیری مثبت نظام بین‌المللی	عدم اطلاع‌رسانی مناسب از زمان و مکان جلسات دادگاه
اجتماعی	پیشگیری از وقوع جرم، به واسطه آموزش همگانی و افزایش دانش حقوقی مردم	آموزش عمومی/ تأثیر پیشگیرانه/ قابل فهم شدن مسائل حقوقی/ نمایش اقتدار نظام قضایی	عدم وجود پلتفرم آموزشی تخصصی
اجتماعی	ایجاد حس امنیت و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی	ایجاد اعتماد عمومی/ رفع حجاب و بدبینی/ اطمینان از اجرای عدالت/ حاکمیت قانون/ ثبات جامعه	عدم وجود فضای کافی در دادگاه‌ها
فردی	رعایت حقوق دفاعی متهم و اعاده حیثیت از وی	تضمین حقوق متهم/ محافظت از متهم در برابر محاکمه مخفیانه/ دسترسی متهم به پرونده/ اصل برائت/ حکم منصفانه/ اعاده حیثیت	حریم خصوصی و خانوادگی
فردی	ترغیب شهود و مطلعین در جهت ادای شهادت به حق و از روی قطع و یقین	راستگویی شهود/ شهادت از روی یقین/ بررسی اعتبار شهود/ نقض بی‌طرفی شهود/ ممنوعیت استفاده از شاهد ناشناس	کم رو بودن برخی از شهود
فردی	تأثیر بر عملکرد قاضی و جلوگیری از فساد قضایی	پاسخ‌گویی قضات/ رفتار عادلانه/ بی‌طرفی قاضی/ استقلال قاضی/ اجرای صحیح عدالت/ شناسایی قاضی مستبد/ قدردانی از قضات و وظیفه‌شناس	غیرقابل اعتراض بودن دستور محرومیت رسانه‌ها از حضور در دادگاه

فهرست منابع

- مرادی حسن‌آباد، محسن. (۱۳۹۳). "پوشش تلویزیونی فرایند رسیدگی در دادگاه‌های کیفری"، مجله حقوقی دادگستری، ۷۸(۸۷): ۱۴۵-۱۶۳.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی. و بخشی، علی. (۱۳۹۲). "بررسی اجمالی مقررات کیفری ماهوی و شکلی حاکم بر نشریات الکترونیکی در حقوق ایران"، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، ۵(۵): ۳۹-۶۴.
- والیمن، نیکولاس. (۱۳۸۹). "روش تحقیق در علوم اجتماعی"، ترجمه مصطفی صلابت و دیگران، چاپ دوم، تهران: پندار پارس.
- هاشمی، سیدمحمد. و دیگران. (۱۳۹۸). "تأملی در موانع تحقق اصل علنی بودن دادرسی‌ها در حقوق ایران"، مطالعات حقوق عمومی، ۴۹(۴): ۱۱۷۱-۱۱۹۰.
- Anite, Catherine. (2019). "Open Justice; A Closed or Open Reality for Uganda's Media?", kampala: Publisher Freedom of Expression Hub.
- Bassiouni, M. Cherif (1994). "The Protection of Human Rights in the Administration of Criminal Justice: a Compendium of United Nations Norms and Standards, Leiden: Brill Nijhoff.
- Bell, Allan. (1991). "The language of news media, Oxford UK: Basil Blackwell.
- Bentham, Jeremy. (1962). "The Works of Jeremy Bentham, Volume Four, Editor John Bowring, New York: Russell & Russell. Inc.
- Bicskei, Tamás, & Others. (2018). "Content Creators v. Judges, (How open can a courtroom be in the information age?)", EJTN Themis Semi-Final D - Judicial Ethics and Professional Conduct, 1(2).
- Campbell, Enid., Hoong P. Lee. (2012). "The Australian Judiciary, Cambridge: Cambridge University Press.
- Cavallaro, James Louis & Brewer, Stephanie Erin. (2008). "Reevaluating Regional Human Rights Litigation in the Twenty-First Century: The Case of the Inter-American Court", The American Journal of International Law, 102, 09-31.
- Cooper, Gilead. (2019). "Open (in)justice: privacy, open justice and human rights", Trusts & Trustees, Oxford University Press, 25(7).
- CSCE: Conference on Security and Co-operation in Europe (1990). "Document of the Copenhagen Meeting of the Conference on the Human Dimension, Copenhagen:
- استراوس، انسلم. و کوربین، جولیت. (۱۳۹۱). "مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمین‌های"، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۰). "مطالعه تطبیقی حق دسترسی رسانه‌ها به دادرسی‌ها و اطلاعات قضایی"، پژوهش حقوق عمومی، ۱۳(۳۵): ۲۶۹-۳۰۸.
- پلانوکلاک، ویکی. و کرسول، جان. (۱۳۹۹). "روش تحقیق"، ترجمه مهدی وفاپای زاده، چاپ اول، تهران: زرین اندیشمند.
- ترزومی‌نژاد، وحید و جمشیدی، شهرام. (۱۳۹۳). "نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضا و اجرای احکام مبتنی بر عدالت"، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، ۹(۳): ۱۶۵-۱۷۶.
- جاوید، محمدجواد. و شاهمادی، عصمت. (۱۳۹۴). "تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی"، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۷(۴۷): ۹-۳۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). "مبسوط در ترمینولوژی حقوق"، جلد ۳، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، تهران: سمت.
- حیاتی، علی عباس. (۱۴۰۰). "روش تحقیق در علم حقوق"، چاپ دهم، تهران: میزان.
- خالقی، علی. (۱۳۸۳). "علنی بودن دادرسی در پرتو اسناد بین المللی و حقوق داخلی"، پژوهش‌های حقوقی، ۳(۵): ۲۹-۴۹.
- دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل (UNODC) (۱۳۹۴). "راهنمای مرجع تقویت سلامت و توانمندی قضایی"، ترجمه حسن و کیلیان، چاپ اول، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). "لغت‌نامه دهخدا"، جلد ۱۰، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی، قدرت‌اله. (۱۳۹۴). "دادگاه رسانه و عدالت رویه‌ای"، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۰(۷۱): ۵۴-۷۲.
- شریفی طرازکوهی، حسین. (۱۳۹۵). "حقوق بشر (ارزش‌ها و واقعیت‌ها)"، چاپ دوم، تهران: میزان.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۴). جلد ۳، چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۴). "فرهنگ فارسی عمید"، جلد ۳، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- ناجی‌زواره، مرتضی. (۱۳۸۹). "دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری"، چاپ اول، تهران: شهر دانش.

- of Justice”, Switzerland: Springer International Publishing.
- Paciocco, David M. (2005). “When Open Courts Meet Closed Government”, *Journal of Law and Social Policy*, 29(1).
- Radin, Max. (1932). “The Right to a Public Trial”, *Temple Law Quarterly*, 6(3).
- Rodrick, Sharon. (2004). “Achieving The Aims of Open Justice? The Relationship Between The Courts, The Media And The Public”, *Deakin Law Review*, 19(1).
- Spigelman, James. (2006). “The principle of open justice: a comparative Perspective”, *University of New South Wales Law Journal*, 29(2).
- Spotlight on Corruption. (2019). “Towards a national commitment to open justice data in the United Kingdom, Report by Spotlight on Corruption and the Open Government Network.
- Stepniak, Daniel. (2008). “Audio-Visual Coverage of Courts”, Cambridge: Cambridge University Press.
- Triva, Siniša & Dika, Mihajlo. (2004). “Građansko parnično procesno pravo [Civil lawsuit procedural law]”, Zagreb: National newspapers.
- Tuma, Clara. (2001). “Open Courts: How Cameras in Courts Help Keep the System Honest”, *Cleveland State Law Review*, 49(3).
- Uka, Mirvete. (2019). “The Right of the Defendant for Public Hearing and the Role of Media in this Publicity”, *Acta Universitatis Danubius*, 15(1).
- Wayne, Martin. (2009). “Improving Access to Justice, The Role of the media”, Curtin University, School of Media, Culture and Creative Arts.
- Publisher Organization for Security and Co-operation in Europe.
- Cunliffe, Emma. (2012). “Open Justice: Concepts and Judicial Approaches”, *Publications Faculty of Law at the University of British Columbia*, 40(3).
- Dadwal, Lalit. (2019). “Open Justice and Rule of Law: Indian Scenario”, *International Journal of Research and Analytical Reviews*, 6(1).
- ECtHR, Case of *krestovskiy v. Russia*, (Application No.14040/03), 2010.
- ECtHR, Case of *P.S v. Germany*, (Application No.33900/96), 2001.
- Georgiou, Lamprini. (2017). “Social Media and Open Trial: An Emerging Con ict or an Opportunity? dissertation for a Master”, The University of Edinburgh.
- Hall-Coates, Shauna. (2015). “Following Digital Media into The Courtroom: Publicity and The Open Court Principle in The Information Age”, *Dalhousie Journal of Legal Studies*, 24(4).
- HRC, Case of *Antonaccio v. Uruguay*, (Communication No.R.14/63), 1981.
- HRC, General Comment, No. 32: Article 14: Right to equality before courts and tribunals and to a fair trial, UN Doc. No. CCPR/C/GC/32, August 23, 2007.
- IACtHR, Case of *Aloeboetoe v. Suriname*, (series C, No.15), 1993.
- Jaconelli, Joseph. (2002). “Open Justice: A Critique of the Public Trial”, New York: Oxford University Press.
- Lanni, Adriaan. (2012). “Publicity and the Courts of Classical Athens”, *Yale Journal of Law & the Humanities*, 24(1).
- Lepofsky, David M. (1995). “Cameras in the Courtroom - Not Without My Consent”, *National Journal of Constitutional Law*, 6(1).
- Marder, Nancy. S. (2013). “The Conundrum of Cameras in the Courtroom”, *Arizona State Law Journal*, 44(6).
- McLachlin, Beverley. (2014). “Openness And the Rule of Law, At the Annual International Rule of Law Lecture”, London: United Kingdom.
- Navratil, Szonja. (2014). “A Comparative Overview of Publicity in the Administration

Individual and Social Effects and Achievements of Presence of News Media in the Hearings

Morteza Rasteh, Faeze Taghipour

Abstract

One of the most important requirements of public hearings, as a basic component in order to achieve a fair hearing, is the presence of news media in court hearings and the publication of proceedings by them. The current research was carried out with the aim of explaining the effects and individual and social achievements of the presence of news media in the hearings, which is known as one of the main elements of procedural transparency and achieving a sense of justice in the course of the proceedings by the public opinion, and with a descriptive method- Analytical and the use of library resources and data collection techniques by scanning the available works in the field of law and media have been studied. The authors of this article are looking for an answer to the question that basically, why should hearings be held publicly and with the presence of news media, and in the meantime, who is benefiting from the media coverage of the hearings? The findings include six categories: "transparency of proceedings and community monitoring of the functioning of the criminal justice system", "creating a sense of security and increasing public trust in the judicial system", "preventing crime through public education and increasing people's legal knowledge". Observing the defense rights of the accused and restoring his dignity", "encouraging witnesses and informants to testify truthfully and with certainty", "influencing the judge's performance and preventing judicial corruption". Therefore, it has been concluded that the presence of news media in hearings is a guarantee of individual rights and provides collective benefits.

Keywords: News media, Media coverage, Hearings, Publicity, Effects and achievements.